

مقالات (۶۹)



مرکز مطالعات متین

MatinStudies.com

مختصری از زندگی لیوپولد فایس (محمد اسد)

محمد عبدالحمید | ترجمه: عادل حیدری



مختصری از زندگی لیوپولد فایس (محمد اسد)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مختصری از زندگی لیوپولد فایس (محمد اسد)

«لیوپولد فایس»^۱ یا «محمد اسد» پس از اسلام آوردنش نمونه‌ای عالی از جویندگان حقیقت و یکی از عاشقان دانش و صداقت در اندیشه و نظر و

۱ - او یک یهودی اهل اتریش بود که در سال ۱۹۰۰ میلادی در شهر لیفو در اتریش به دنیا آمد. فلسفه و هنر را در دانشگاه وین تحصیل کرد و سپس به روزنامه‌نگاری روی آورد و در این حوزه موفق شد. وقتی ۲۲ ساله بود، به خاورمیانه سفر کرد و به عنوان خبرنگار در کشورهای عربی و اسلامی برای روزنامه «فرانکفورتر زینتگ» کار کرد. او مدتی را در قدس سپری کرد و سپس به قاهره سفر کرد، جایی که با امام مصطفی مراغی دیدار کرد و با او درباره ادیان به گفت‌وگو نشست. او به این نتیجه رسید که «روح و بدن در اسلام مانند دو وجه دوقلوی زندگی انسانی هستند که خداوند آفریده است.» سپس شروع به یادگیری زبان عربی در مدارس ازهر کرد، در حالی که هنوز یهودی بود.

مختصری از زندگی لیوپولد فایس (محمد اسد)

الگویی نادر از مسافران در دنیای اندیشه و معنویت است. او ارتباط عمیقی با حرمین شریفین داشت و مردم آنجا را دوست می‌داشت و سرزمین حرمین را

جست‌وجوی تحقیقی او با پذیرش اسلام در جزیره العرب در سال ۱۹۲۶ میلادی به پایان رسید و او با اطمینان کامل به این باور رسید که اسلام دین حق است. پس از مسلمان شدن، به سفر در دنیای اسلام پرداخت، از شمال آفریقا تا افغانستان در شرق، در این مناطق زندگی و کار کرد. او فریضه حج را به جای آورد و بیش از پنج سال در مدینه منوره اقامت کرد. همچنین در جهاد لیبی همراه با عمر مختار شرکت کرد. سپس به پاکستان سفر کرد و با شاعر بزرگ اسلام، محمد اقبال، دیدار کرد. او مدیر دایره تجدید اسلام در پنجاب غربی شد و همچنین رئیس موسسه مطالعات اسلامی در لاهور بود. سپس اقدام به تألیف کتاب‌هایی کرد که او را به عنوان یکی از اندیشمندان برجسته اسلام در دوران معاصر معرفی کردند.

از جمله مشهورترین کتاب‌های او می‌توان به کتاب ارزشمند «اسلام در دوراهی» که در سال ۱۹۳۴ منتشر شد و کتاب «راهی به سوی مکه» که در سال ۱۹۵۳ منتشر گردید، اشاره کرد. این کتاب‌ها از بهترین آثار ادبی و فکری قرن بیستم به شمار می‌روند. همچنین او کتاب «اصول دولت در اسلام» را در سال ۱۹۴۷ و کتاب «این شریعت ماست» را در سال ۱۹۸۷ نوشت که از طریق آن‌ها نظریه خود را در مورد حکومت در اسلام بنیان‌گذاری کرد. او همچنین یک مجله ماهانه به نام «عرفات» منتشر کرد و معانی قرآن کریم و صحیح بخاری را به زبان انگلیسی ترجمه کرد.

مختصری از زندگی لیوپولد فایس (محمد اسد) |

وطن خود می‌دانست. او از نزدیک‌ترین مشاوران ملک عبدالعزیز بنیانگذار عربستان سعودی بود.

اسلام آوردن او در سال ۱۹۲۶ میلادی، نشانه‌ای قانع کننده از توانایی اسلام در جذب کسانی بود که جویای حقیقت بودند. اسلام آوردن او نتیجه سال‌ها گشت و گذار در جهان اسلام، آشنایی با مسلمانان و درک عمیق از فرهنگ و آثار اسلامی پس از یادگیری زبان‌های عربی و فارسی بود.

سفر او به اسلام

محمد اسد درباره آغاز سفر خود به شرق اسلامی می‌گوید: «در سال ۱۹۲۲ میلادی، وطن خود اتریش را ترک کردم تا به آفریقا و آسیا بروم و به عنوان خبرنگار برای برخی از روزنامه‌های اروپایی کار کنم. از همان سال، بیشتر وقت خود را در کشورهای شرق اسلامی گذراندم. در ابتدا توجه من بیشتر به مردم این کشورها جلب شد، احساسی که معمولا در دل یک بیگانه ایجاد می‌شود.

اولین چیزی که دیدم جامعه‌ای بود که به‌طور کامل با جامعهٔ اروپایی تفاوت داشت. از همان ابتدا احساس کردم که گرایشی در درونم به‌سوی نوعی فلسفهٔ زندگی آرام و متعادل وجود دارد. فلسفه‌ای که اگر با سبک زندگی سریع و مکانیکی اروپایی مقایسه شود، تفاوت فاحشی دارد. این گرایش به‌تدریج مرا به مطالعهٔ این تفاوت‌ها و داشت و شروع کردم به بررسی آموزه‌های دینی اسلام. البته در آن زمان هنوز دلیلی قوی برای پذیرش اسلام در درون خود نیافتم، اما آنچه برایم جالب بود، دیدن جامعه‌ای انسانی و پیشرفته بود که ساختارش به‌طرز شگفت‌آوری بدون تضادهای داخلی بود و برادرانه‌ترین احساسات انسانی را به نمایش می‌گذاشت.

با این حال، حقیقتی که برایم روشن شد این بود که زندگی مسلمانان امروزی بسیار دور از زندگی ایده‌آلی است که می‌توانستند از آموزه‌های اسلام به آن دست یابند. آنچه در اسلام نیروی حرکت و توان را در پی داشت، در میان مسلمانان تبدیل به کسالت و ایستایی شده بود و آنچه در اسلام از سخاوت و آماده بودن برای فدا کردن جان بود، امروز در میان مسلمانان تبدیل به

محدودیت افق و علاقه به زندگی راحت تبدیل شده بود. این تناقض باعث سردرگمی من شد، زیرا دیدم که گذشته مسلمانان با حال آنها تناقضی عجیب دارد. این احساس مرا برانگیخت تا بیشتر به این معما بپردازم.

«لیوپولد فایس» قبل از گرویدن به اسلام همواره در جستجوی حقیقت بود و از اینکه شاهد تفاوت بسیار بین واقعیت مسلمانان و آموزه‌های درخشان دین آنها بود، غمگین و متعجب بود. در یکی از روزها که با مسلمانان به گفتگو می‌پرداخت و از اسلام دفاع می‌کرد و مسلمانان را به دلیل عقب ماندگی‌شان مسئول می‌دانست و سبب این عقب ماندگی را فاصله گرفتن آنها از اسلام می‌دانست، یکی از مسلمانان به او پاسخ داد: «تو مسلمان هستی، اما خودت نمی‌دانی». این جمله فایس را به شدت تکان داد. او در پاسخ خندید و گفت: «من مسلمان نیستم، اما در اسلام زیبایی‌هایی دیده‌ام که وقتی می‌بینم پیروانش این زیبایی‌ها را از دست می‌دهند به شدت عصبانی می‌شوم».

اسلام آوردن محمد اسد پاسخی قاطع به ناامیدی و سرگشتگی او و اعلامی قانع کننده از توانایی اسلامی در جذب جویندگان حقیقت بود. عبدالوهاب

عزام دربارهٔ اسلام آوردن او می‌گوید: «این واکنشی از یک نفس پاک است به فضیلت‌های اخلاقی و آداب نیکو و شگفتی از قلبی بزرگ به فطرت صحیح، و ادراک عقلی روشن از حق، خیر و زیبایی».

راهی به سوی مکه

کتاب «راهی به سوی مکه»^۲ یکی از مهم‌ترین آثاری است که محمد اسد تألیف کرده و در آن سفر خود به اسلام و شبه جزیرهٔ عربستان، محل نزول وحی را روایت کرده است. او در این کتاب دربارهٔ سفرش به اسلام می‌گوید: «اسلام مانند نوری به دل تاریک من وارد شد تا همیشه در آنجا بماند، آنچه مرا به اسلام جذب کرد ساختار بزرگ و یکپارچه ای بود که نمی‌توان آن را توصیف کرد. اسلام بنای کاملی است که تمام اجزایش به گونه‌ای طراحی شده‌اند که

۲ - این کتاب مجموعه‌ای از یادداشت‌های نویسنده است که توسط رفعت سید علی ترجمه شده و در سال ۲۰۱۰ میلادی توسط انتشارات الجمل در بغداد و بیروت منتشر شد. همچنین یادداشت‌ها توسط صالح بن عبد الرحمن الحصین تنظیم شده و تحت عنوان «محمد اسد در راه مکه» توسط بنیاد وقف در ریاض در سال ۱۴۳۱ هجری قمری منتشر گردید.

مکمل یکدیگر باشند. حتی با وجود تمام موانعی که عقب ماندگی مسلمانان را به وجود آورده است، اسلام همچنان بزرگ‌ترین نیرویی است که انسان‌ها می‌شناسند».

او می‌افزاید: «اسلام انسان را به وحدت تمام ابعاد زندگی دعوت می‌کند؛ همان‌طور که به دنیا و آخرت، به نفس و بدن، به فرد و جامعه اهمیت می‌دهد. اسلام به ما می‌آموزد که از تمام ظرفیت‌های خود به بهترین نحو استفاده کنیم. اسلام نه یک راه، بلکه تنها راه است».

او همچنین می‌گوید: «اسلام انسان را به وحدت میان تمامی جوانب زندگی می‌خواند، از دنیا و آخرت گرفته تا فرد و جامعه و از انسان می‌خواهد از تمام ظرفیت‌های موجود در خود بهره‌برداری کامل را کند».

نماز و تأثیرات آن

محمد اسد در کتاب خود، صحنه‌هایی که تأثیر زیادی بر او داشته را بیان می‌کند. او زمانی که وارد مسجد اموی در دمشق شد و مشاهد کرد که صدها

مختصری از زندگی لیوپولد فایس (محمد اسد) |

نفر از مسلمانان پشت امام صف کشیده‌اند و در سکوت کامل نماز می‌خوانند، به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. او می‌گوید: «در آن لحظه احساس کردم که خداوند چقدر به آن‌ها نزدیک است و آن‌ها نیز به خداوند نزدیکند. نماز آن‌ها جدا از زندگی روزمره‌شان نیست، بلکه کمک می‌کند تا بر مصیبت‌هایشان غلبه کنند و آرامش یابند، چه احساس بزرگی است که خداوند نزدیک به آن‌هاست و آن‌ها چه چیزی غیر از آن می‌توانند احساس کنند؟» اسد ادامه می‌دهد: «در آن لحظه آرزو کردم که قلبم پر از این احساس باشد و ضرورت فهم روحیه ملت‌های مسلمان که از پیوند میان اندیشه و حواس برخوردار بودند را دریافتم، پیوندی که اروپایی‌ها آن را از دست داده بودند».

حج و تجربه شگفت‌انگیز

هنگامی که محمد اسد به سفر حج رفت، آنچه در این سفر مشاهده کرد، او را به شدت تحت تأثیر قرار داد. او توصیف می‌کند که چگونه در کنار دیگر حجاجان در عرفات حرکت می‌کرده و حس جمعی و اتحاد را تجربه می‌کرد. او می‌گوید:

«اینک ما در حال حرکت هستیم، عجله‌وار و تسلیم شده در خوشی‌ای بی‌پایان و باد در گوشم فریاد شادی را می‌فشانند. دیگر هیچ‌گاه غریب نخواهی بود، هیچ‌گاه احساس غربت نخواهی کرد. برادرانم از سمت راست و سمت چپ، هیچ‌کدامشان را نمی‌شناسم، اما هیچ‌کدام برای من غریبه نیستند. ما در میان جریان پرهیاهو یک جسم واحد هستیم که به‌سوی یک هدف واحد می‌رود. در دل‌های ما شعله‌ای از ایمان است که در دل‌های یاران پیامبر- صلی الله علیه وسلم - روشن شد. برادرانم می‌دانند که کوتاهی کرده‌اند، اما همچنان به پیمان خود وفادارند. آن‌ها به وعده‌ای که داده‌اند عمل می‌کنند. لبیک اللهم لبیک. دیگر هیچ چیزی جز صدای لبیک به گوش نمی‌رسد و پژواک خون و طنین آن در گوشم می‌پیچد. پیش می‌روم و طواف می‌کنم و بخشی از سیلاب دایره‌ای شده‌ام. من اکنون بخشی از حرکتی در مدار هستم. لحظات محو می‌شوند و زمان آرام می‌گیرد، و اینجا، این مکان، مرکز جهان است.»

نجات و بازگشت به اسلام

محمد اسد در کتاب «اسلام بر سر دو راهی» به طور جدی به وضعیت کنونی مسلمانان اشاره نموده و می‌گوید: «ما تنها یک راه برای نجات از این وضعیت سقوط داریم. باید احساس شرم کنیم و این احساس شرم را به طور مستمر در ذهن خود نگه داشته و تلخی آن را بچشیم. باید از روحیه پوزش خواهی که نماد دیگری از شکست عقلانی در ماست، دست برداریم. به جای آنکه اسلام را با معیارهای عقلانی غربی ارزیابی کنیم، باید اسلام را به عنوان معیاری برای قضاوت درباره جهان در نظر بگیریم. گام دوم این است که با آگاهی و اراده به سنت پیامبران عمل کنیم. مسلمان باید با سربلندی زندگی کند و باید مطمئن باشد که متفاوت است و به خاطر این تمایز باید به خود ببالد و به جای عذرخواهی از دیگران باید این تفاوت را شجاعانه اعلام کند.»

محمد اسد بیش از نیم قرن پیش در کتاب «اسلام در دو راهی» هشدار داده است که مسلمانان باید از رفتارهای انفعالی پرهیز نموده و بر عمق فرهنگی خود تأکید ورزند و بر این نکته تأکید می‌کند که اسلام برخلاف سایر ادیان، یک

فرهنگ اجتماعی و اجتماع فرهنگی است که مرزهای مشخصی دارد. اگر تمدن بیگانه‌ای با پرتو خود به ما نزدیک شود و تغییراتی در ساختار فرهنگی ما ایجاد کند همانطور که امروزه شاهد آن هستیم، باید بررسی کنیم که آیا این تأثیرات بیگانه با ظرفیت‌های فرهنگی ما هم‌خوانی دارد یا در تضاد با آن است، و آیا این تأثیر در فرهنگ اسلامی به مثابه یک درمان تقویت کننده برای نیروها عمل می‌کند یا به عنوان زهر.

او در پایان نتیجه می‌گیرد: «تنها چیزی که مسلمانان نمی‌توانند آرزو کنند این است که با چشمان غربی به جهان نگریسته و دیدگاه‌های غربی‌ها را ببینند. اگر مسلمانان بخواهند که مسلمان بمانند، نمی‌توانند تجارب مادی اروپا را جایگزین فرهنگ معنوی اسلام کنند».

عظمت قرآن

محمد اسد در هنگام تأمل در قرآن شگفت زده شد و از نکاتی که موجب شگفتی او شد این بود که قرآن تنها به جنبه‌های معنوی انسان‌ها توجه

نکرده، بلکه به جنبه‌های دیگر مسائل دنیوی نیز پرداخته است. قرآن مسلمانان را از فراموشی این حقیقت باز می‌دارد که زندگی دنیا فقط مرحله‌ای است در مسیر دستیابی انسان به وجودی برتر و جاویدتر، و هدف نهایی زندگی ماهیتی معنوی و روحانی دارد. او معتقد است که رفاه مادی آسیب نمی‌زند اما هدف و غایت نهایی نیست، بلکه باید تمایلات و شهوت‌های انسان‌ها تحت کنترل قرار گیرد و با آگاهی اخلاقی از سوی فرد هدایت شود.

محمد اسد می‌گوید: قرآن به ابعاد فکری و اخلاقی انسان‌ها با احترام و ارادت نگاه می‌کند و روش آن در پرداخت به مشکلات روحی و معنوی بسیار عمیق‌تر از آن چیزی است که در تورات یافتیم. علاوه بر این، قرآن نه تنها برای گروه خاصی از بشر یا یک ملت خاص نازل نشده است، بلکه برای تمام انسان‌ها آمده است. در بحث بدن، روش قرآن بر خلاف انجیل است؛ روش قرآن مثبت است و بدن را نادیده نمی‌گیرد؛ چرا که بدن و روح همراه یکدیگر انسان را تشکیل می‌دهند، مانند دو نیمه از یک موجود».

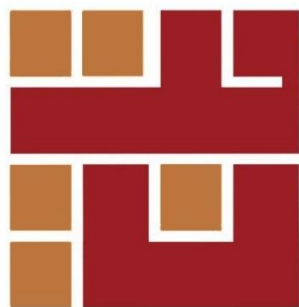
مختصری از زندگی لیوپولد فایس (محمد اسد) |

محمد اسد بر این باور است که این روش قرآن، دلیل اصلی احساس امنیت و تعادل فکری و روحی است که مسلمانان را متمایز می‌کند. در حالی که تمدن غربی هنوز نتوانسته است تعادلی میان نیازهای جسمانی و اجتماعی انسان‌ها با خواسته‌های معنوی آن‌ها برقرار کند.

درگذشت محمد اسد

در سال ۱۹۹۲ میلادی، زندگی این جهان‌گرد، دانشمند و اندیشمند مسلمان که از جمله متفکران فرهیخته مسلمان به شمار می‌رفت و اندیشه، ادب و ارزش‌های والایی تولید کرد به پایان رسید. او نقش خود را در هدایت و راهنمایی ایفا کرد و با مسائل امت اسلامی به‌بهترین شکل ممکن تعامل داشت. پیکر پاک او را در مقبره مسلمانان در شهر گرانا (غرناطه) در اندلس (اسپانیا) به خاک سپردند.

مختصری از زندگی لیوپولد فایس (محمد اسد)



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies